

کار حرفه‌ای:

مفاهیم، ویژگیها و کارکرد

(بخش هفتم)

محمدشلیله

در بخشهای پیشین این مجموعه تعریف «کار»، پیوندهای بین «کار»، «نوع کار» و فرد، مرتبه «کار حرفه‌ای» در مقایسه با سایر مشاغل، تعریف «کار حرفه‌ای» بر بنیاد دو نظریه متفاوت (یکی نظریه‌ای که بر ویژگیهایی که «کار حرفه‌ای» را از سایر مشاغل متمایز می‌سازد و دیگری نظریه‌ای که بر «مناسبات قدرت-کنترل» در مشاغل حرفه‌ای تاکید دارد)، و «مبانی تکوین قدرت حرفه‌ها» مورد بررسی قرار گرفت. در بخش قبلی (بخش ششم) مروری داشتیم در مورد ملاکهایی که به طور نسبی «مشاغل حرفه‌ای» را از «مشاغل غیرحرفه‌ای» متمایز می‌سازد. در این بخش بحث کوتاهی خواهیم داشت در مورد اینکه علاوه بر ویژگیهایی که یک شغل باید داشته باشد تا حرفه‌ای شناخته شود، در عین حال باید در یک نهاد متشکل گردد و امور حرفه‌ای‌گری شغل مربوط را در جهت توسعه و تداوم حیات شغل حرفه‌ای مربوط از این طریق پیش برد.

حرفه‌ای‌گری ضرورت حرفه‌ای ماندن

مشاغل حرفه‌ای

با وجود اینکه توافقی برسر ملاکهای تفکیک و تشخیص «مشاغل حرفه‌ای» از «مشاغل غیر حرفه‌ای» وجود ندارد، اما همه صاحب‌نظران در مورد اینکه اعضای هر شغل حرفه‌ای باید در یک نهاد متشکل گردند و امور «حرفه‌ای‌گری»^۲ شغل مربوط را از این طریق پیش برند توافق دارند و معتقدند هیچ شغل حرفه‌ای نمی‌تواند بدون متشکل شدن در یک نهاد سامان گیرد و به حیات خود به عنوان شغل حرفه‌ای ادامه دهد.

«حرفه‌ای‌گری» را در مقیاس یک جامعه و در کلی‌ترین مفهوم آن مجموعه‌ای از نهادها تعریف کرده‌اند که به اعضای مشاغل حرفه‌ای امکان می‌دهد از طریق شغلی که خود آن را اداره می‌کنند، زندگی کنند (Freidson, 2001). چنین رویکردی به شغل، فقط در مورد مشاغلی موضوعیت دارد که اولاً آنقدر تخصصی شده باشند که اشتغال به آنها خارج از توانایی کسانی باشد که فاقد آموزشها و تجربیات مورد نیاز برای اشتغال به آن شغل باشند، ثانیاً امکان استاندارد کردن عملیات و فعالیتهای آنها در زمینه «تشخیص مسئله»، «استنباط»، «قضاوت» و «انتخاب راه حل» وجود نداشته باشد^۳ و خدماتی را که عرضه می‌کنند مانند برخی خدمات دیگر، صورت کالایی به خود نگرفته باشد (همان، پیشین) یا به مفهوم رایج تر بازاری نشده باشد.

«حرفه‌ای‌گری» در عمل دربرگیرنده یک رشته کوششهایی است که توسعه مشاغل حرفه‌ای را در کل و توسعه هر حرفه را امکانپذیر می‌سازد. این کوششها از طریق نهادی مدنی^۴ که در زبان فارسی اغلب «انجمن»^۵ نامیده می‌شود، انجام می‌پذیرد و برپایه انتظارات متقابل هر انجمن و اعضای شغل مربوط شکل می‌گیرد. بدین ترتیب که اعضای هر شغل حرفه‌ای ضمن قبول «حاکمیت»^۶ انجمن شان بر آنها، انتظار دارند که انجمن مفروض، نمایندگی آنها را در برابر جامعه و مراجع رسمی بپذیرد و اعمال نماید. متقابلاً این انجمن‌ها از اعضای خود انتظار دارند دانش محتوای شغلشان را به روز نگه‌دارند، با حساسیت کافی نسبت به تحولات جدید روبه‌رو شوند و عکس‌العمل موثر در این موارد داشته باشند، از استقلال حرفه‌ای شان مراقبت نمایند، به چارچوب اخلاقی شغل مربوط متعهد باشند، ضوابط کار

حرفه‌ای تعیین شده از سوی انجمن را در برابر حرفه، در برابر مشتریان و در برابر جامعه رعایت نمایند. آشکار است انتظارات متقابل انجمنهای حرفه‌ای و اعضای آن در اثر تغییرات و تحولات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی یا سایر تغییرات و تحولات عمده دستخوش تغییر و بازنگری می‌شود. از جمله در دوران اخیر مسئله «کیفیت» خدمات حرفه‌ای، «پاسخگویی» به استفاده‌کنندگان از این خدمات، «بهره‌گیری سیستماتیک از تجربیات کار حرفه‌ای» در جهت ارتقاء دانش محتوای کار حرفه‌ای، «رشد مهارتهای حل مسئله» و اهتمام بیشتر به «ابتکار و نوآوری» در برابر موضوعهای نو و ناشناخته به منظور توسعه انعطافپذیری بیشتر در حرفه اهمیت چشمگیری یافته است.



پانوشته‌ها:

۱- نگاه کنید به بخش ششم از این مجموعه (حسابرس، شماره ۲۹، تابستان ۱۳۸۴: ۱۶)

2-Professionalism

۳- منظور از استاندارد در این بحث استانداردهای حسابداری و حسابرسی نیست.

موضوع این مجموعه بحث کار حرفه‌ای در مفهوم عام آن است و نه حرفه حسابداری، مگر در مواردی که به تصریح در مورد حرفه حسابداری سخن گفته باشیم.

۴- منظور نهاد مدنی غیروابسته به دولت و غیرانتفاعی است.

۵- این گونه نهادها در ادبیات زبان انگلیسی نامهای متفاوتی دارند، از جمله رایج‌ترین آنها society and association, institute است. منها در اغلب فرهنگهای دوزبانه انگلیسی-فارسی معادل «انجمن» را همانگونه که در ادبیات زبان فارسی رایج است با فراوانی بیشتری در برابر هر سه نامهای یادشده در زبان انگلیسی قرار داده‌اند. این چگونگی در جدول زیر نشان داده شده است:

نام فرهنگ	society	institute	association
حق‌شناس، فرهنگ معاصر هزاره، ۱۳۸۰		انجمن	انجمن
آشوری، فرهنگ علوم انسانی، ۱۳۷۲	انجمن		انجمن
ساروخانی، فرهنگ علوم اجتماعی، ۱۳۶۶			انجمن
برنجیان، فرهنگ اصطلاحات فلسفه، ۱۳۷۱			انجمن
سجادی نژادساکری، فرهنگ اصطلاحات حسابداری، جلد دوم، ۱۳۸۲		انجمن	
اریاب سلیمانی، فرهنگ اصطلاحات حسابرسی، ۱۳۷۹		انجمن	

۶- «حاکمیت» را در برابر mastery در زبان انگلیسی قرار داده‌ایم. اعتبار و درستی این معادل به قبول و تایید صاحب‌نظران در این زمینه نیاز دارد.

منابع:

- Broadbent, J., Dietrich, M. and Roberts, J., **the End of the Professions? the Restructuring of Professional Work**, Routledge, London and New York, 1997
- Freidson, E., **Professionalism: the Third Logic**, the University of Chicago Press, Chicago, 2001, PP. 17-35